این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

انسانِ همه‌چیز تمام

آیت‌الله خوشوقت(رض):

خدای متعال به همه انسان‌ها صبر داده است. کسی نیست که صبر نداشته باشد. کم و زیاد دارد امّا کم آن هم به اندازه‌ای نیست که تکلیف نیاید. هر مقدار تکلیف هست، خدا همان مقدار صبر هم داده است؛ والا خدا تکلیف را برمی‌دارد؛ بنابراین باید از این صبر استفاده کنیم و همه وظایف را اگرچه تلخ باشند، انجام دهیم. این موضوع دو اثر دارد:

اوّل اینکه وظیفه را انجام داده‌ایم و دیگر اینکه انسان را می‌سازد. این موضوع هر روز هست، استمرار دارد؛ اگر هر روز، کمی به آن اضافه کنی، هر روز کم‌ها زیاد می‌شود. قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود. آن وقت یک انسان خوب، بزرگ، صبور، متحمّل، باتقوا و همه‌چیز تمام می‌شود. امّا اگر از اوّل شروع نکنیم و از همین قطره‌ها جمع نکنیم، بعداً دیگر نمی‌توانیم...

منبع: کانال «عزیز خدا» در پیامرسان ایتا

اگر دولت هیچ‌کاره است چرا برای ۱۴۰۰ برنامه می‌ریزید؟

دکتر عبدالله گنجی در توئیتر نوشت: نمی‌فهمم چرا اون‌هایی که می‌گویند رئیس جمهور در ایران هیچ‌کاره یا تدارکاتچی است یا دولت پنهان مانع اوست اینقدر برای انتخابات ۱۴۰۰ تلاش و برنامه‌ریزی و جلسه برگزار می‌کنند؟ اگر دولت هیچ‌کاره است چرا می‌گویند جلیلی با ظریف فرق می‌کند؟ چرا براشون رئیسی و روحانی متفاوت است؟

تدبیرم آرزوست!

مهدی قاسم‌زاده در کانال تلگرامی خود نوشت: اینکه جناب روحانی امروز در ستاد ملی مقابله با کرونا سعی نموده‌اند تا با تاکیدِ بیشتر بر خودمراقبتی و مخالفت با قرنطینه پلیسی مسئله معیشت و اقتصاد مردم را نیز مدنظر داشته باشند (با توجه به وجود برخی محدودیت‌ها و تنگناها) قابل تقدیر می‌باشد اما کاش اولاً در اتخاذ تصمیمات کمی جدی‌تر رفتار می‌کردند و اجرای تصمیماتشان را لااقل موکول به شنبه هفته آینده نمی‌کردند و درثانی ضمنِ لغو کردنِ تصمیمِ کاهش ساعت فعالیت ناوگان حمل و نقل عمومی (که صرفاً باعث ایجاد ازدحام شده است)، زمینه فعالیت ۲۴ ساعته فروشگاه‌های زنجیره‌ای و حتی ناوگان حمل و نقل عمومی را فراهم می‌آوردند تا از استرس مردم و ازدحام روزانه کمی کاسته می‌شد!

اینجا همان امریکاست!

جواد آقایی در توئیتی نوشت: رئیس مجلس نمایندگان امریکا در مصاحبه با سی.بی.اس میگه مردم در سراسر امریکا گرسنه و بیکارند! بله! اینجا همون امریکائیه که برای یه عده بهشته و دائم می‌کوبنش تو سر ملت ما! اینجا همون چشم‌اندازیه که برای رسیدن به آن، اقتصاد امروز دولت ما وابسته شده!

تصویر منتخب

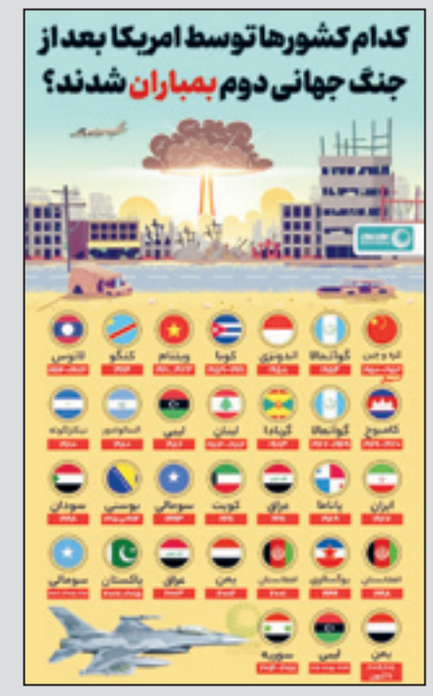

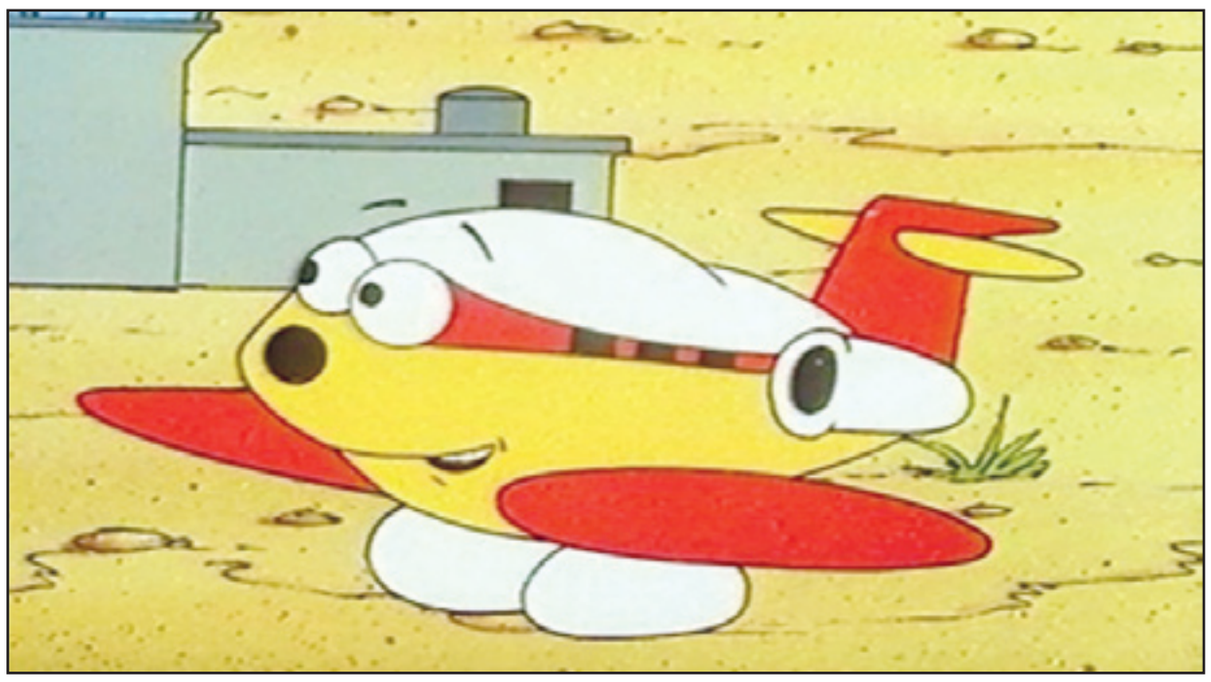

واکنش طنز کاربران شبکه‌های اجتماعی به اظهارات وزیر در خصوص تاکسی هوایی

مردم در حسرت تاکسی زمینی دولت در فکر تاکسی هوایی!

وزیر راه و شهرسازی در اظهارنظری تازه گفته است: «مردم می‌توانند با استفاده از هواپیماهای شخصی خود، در پروژه تاکسی هوایی ثبت‌نام کنند.» به گزارش پایگاه خبری جمران آقای وزیر بیان داشته است: «بسیاری از فرودگاه‌ها در شهرهای مختلف هستند که استعداد راه‌اندازی تاکسی هوایی را دارند و مردم می‌توانند با استفاده از هواپیماهای شخصی خود و با ثبت نام در این طرح از این پروژه استفاده کنند.» این اظهارات با واکنش طنز کاربران شبکه‌های اجتماعی مواجه شد. کاربران این طرح را ویژه سرمایه‌دارانی دانستند که به زودی برای درآوردن چشم یکدیگر شوآفی با هواپیماهای شخصی خود به راه خواهند انداخت. در ادامه بخشی از این واکنش‌ها را می‌خوانید.

■ **هامین:**

همین حالا که شما مشغول جوک ساختن برای تاکسی هوایی هستید! یسری دارن فکر میکنن چطوری میشه یه هواپیما رو گل زد وسط تالار فرود آورد تا چشم بقیه رو دربیارن...

■ **مهیار:**

وزیر راه و شهرسازی: «مردم می‌توانند با استفاده از هواپیماهای شخصی خود، در پروژه تاکسی هوایی ثبت‌نام کنند!» چه خبر خوبی! می‌تونیم بوئینگ‌هامون رو از پارکینگ بکشیم بیرون! بچه‌ها هر جای دنیا هستید میام دم در دنبالتون بریم دور دور، شب هم با چتر نزدیک منزل می‌تونید فرود بیایید!

■ **حسین صارمی:**

بی‌آرتی تا خرخره پُر! بعد یارو چهارتا صندلی کنار هم گرفته بود میگفت نشینید کنارم کرونا دارم! گفتم با اینکه نباید میومدی بیرون ولی حالا اتوبوس‌سوار شدی؟! گفت بقرآن پول تاکسی هم ندارم! وزیرم گفته با هواپیماهاتون مسافرکشی کنید.

■ **یوسف آقابابایی:**

آفرین به این وزیر محترم که تونست با اجرای تاکسی هوایی یاد و خاطره جیمبو را برای ما دهه شصتی‌ها زنده کنه.

■ **کاربری با نام «ژنرال»:**

وزیر راه گفته هر کی هواپیمای شخصی داره میتونه تو تاکسی هوایی مشغول به کار بشه! به همین راحتی اشتغالزایی میکنن، خب خداروشکر اونایی که هواپیمای شخصی دارن هم از بیکاری دراومدن...

■ **مرتضی شهبازی‌نیا:**

در شرایطی که عده قابل توجهی از مردم ناچارند به خاطر نداشتن کرایه تاکسی پراید، در شرایط کرونا با اتوبوس عمومی تردد کنند، طرح بی موقع تاکسی هوایی، مصداق پاشیدن نمک بر زخم است. به تعبیر حافظ: با خرابات نشینان ز کرامات ملاف/هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد!

■ **محمد:**

خداروشکر رر! من می‌خواستم هواپیما و بفروشم!!! الان عصر ابعد از دانشگاه میرم مسافرکشی؛ علی برکت‌الله!

■ **رضا پورحسین:**

خبری از وزیر راه نقل شده که گفته است: «مردم می‌توانند با استفاده از هواپیمای شخصی خود در ناوگان تاکسی هوایی ثبت‌نام کنند.» اما متاسفانه زمان و محل ثبت‌نام و مدارک لازم را نگفته‌اند!

■ **مرتضی قربانی:**

وزیر راه گفته مردم میتونن با هواپیماهای شخصیشون تو پروژه راه‌اندازی تاکسی هوایی شرکت کنن!! از هر زاویه‌ای به این خبر نگاه میکنم برگام میریزه.

■ **محمد صدوقی:**

مرکز پژوهش‌های مجلس: «متوسط مصرف کالاهای اساسی کاهش قابل توجهی یافته است، مصرف گوشت گوساله ۲۰ درصد و گوشت گوسفندی ۲۹ درصد در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است.» وزیر راه: مردم می‌توانند با استفاده از هواپیماهای شخصی خود، در پروژه تاکسی هوایی ثبت‌نام کنند!

■ **نوید برهان زهی:**

نمیدونم چرا وقتی وزیر راه حرف از تاکسی هوایی زد من یاد مردم منطقه کاجو در سیستان‌وبلوچستان افتادم که چند وقت پیش با بیل، کلنگ و تیشه داشتند برای خودشون جاده درست میکردن.

■ **سیدعلی موسوی:**

تاکسی هوایی؟ و مردمی که هزینه رفت و آمد عادی براشون سنگینه...! به زودی منتظرِ شوآفِ طبقه سرمایه‌دار با تاکسی هوایی باشید...

■ **هادی کهن دل:**

ملت در شرایط بحرانی کرونا و شلوغی مترو و اتوبوس در حسرت استفاده از تاکسی زمینی هستند؛ دولت به دنبال تاکسی هوایی است!

گزارش

چرا در توئیتر بحث سقراطی ناممکن است؟

اگر فیلسوف یونانی در شبکه‌های اجتماعی فعال بود، بعید بود بگوید «می‌دانم که هیچ نمی‌دانم»

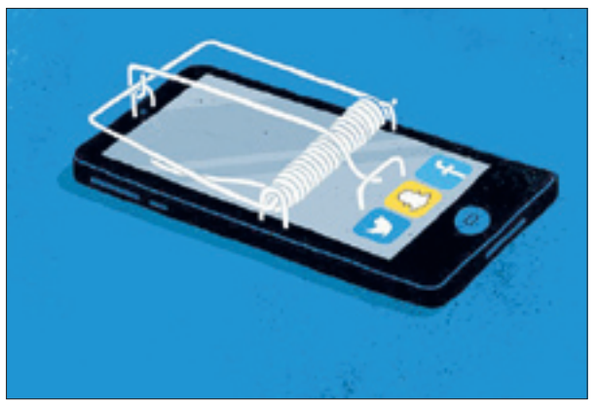

احتمالاً همه ما در شبکه‌های اجتماعی چنین تجربه‌ای را داشته‌ایم: نوشته کاربری را خوانده و تلاش کرده‌ایم تا انتقادمان را برایش توضیح دهیم، اما در جواب فحشی نثارمان شده است. بعید نیست که خودمان هم در واکنش به مخالفانمان دست به چنین کارهایی زده باشیم. چرا در شبکه‌های اجتماعی گفت‌وگوی سازنده اینقدر دشوار است؟ نیکول ییت‌من، متخصص ارتباطات اجتماعی، چند دلیل برای این قبیله‌گرایی رایج در شبکه‌های اجتماعی برمی‌شمارد. کانال تلگرامی «ترجمان» مقاله او را با ترجمه «علیرضا شفیعی‌نسب» به اشتراک گذاشته است که خلاصه‌ای از آن را در ادامه می‌خوانید:

جاناتان راوچ در کتاب مفتش‌های مهربان (۱۹۹۱) می‌نویسد: «هر آدم لیبرالی عاشق شخصیت سقراط است که شیوه تحقیق شکاکانه و اهمیت فروتنی فکری - یعنی در نظر داشتن تفاوت میان آنچه می‌دانید و آنچه خیال می‌کنید می‌دانید- را به خیلی‌ها آموخته است.» اما در عصر رسانه‌های اجتماعی، آیا سقراط (که هنگام مرگش گفت: «فقط یک چیز می‌دانم: اینکه هیچ نمی‌دانم») هنوز هم ایده‌آل لیبرال‌هاست؟ یا اکوسیستم اینترنت، با پر و بال‌دادن به اتاق‌های پژواک، تعهدات علنی و تخریب حقیقت‌جویی و پویندگی، باعث نابودی فروتنی فکری شده است؟

■ **خود در اتاق پژواک**

پروفسور مایکل پاتریک لینچ می‌نویسد: «یکی از شیوه‌هایی که اینترنت تصویر ما از خودمان را تحریف می‌کند این است که تمایل ما انسان‌ها برای دست‌بالاگرفتن دانشمان درباره نحوه عملکرد دنیا را تشدید می‌کند. اینترنتِ ما به یک مکانیسم تقویتی بزرگ تبدیل می‌شود که تمام اطلاعاتی را که بر اساس پیشداوری‌هایمان، مستعد پذیرششان هستیم به خوردمان می‌دهد و تشویقمان می‌کند تا افراد حاضر در حباب‌های دیگر را پست‌فطرت‌هایی ناآگاه بدانیم. فقط خودمان همه‌چیز را می‌دانیم، این را حتی اینترنت هم به ما گفته است.»

به بیان دیگر، اینترنت نوعی غرور معرفتی را در ما می‌پروراند، یعنی این تصور که دانسته‌هایمان خیلی بیشتر از آن چیزی است که واقعاً هست. فیدها و الگوریتم‌های جهت‌دهی‌شده رسانه‌های اجتماعی ما را به سمت اتاق‌های پژواکی حرکت داده‌اند که در آنها دیدگاه‌های خودمان مورد استقبال و دیدگاه‌های مخالف مورد تمسخر قرار می‌گیرند. در پناه این اتاق‌های پژواک، با هیچ چالش جدی‌ای روبه‌رو نمی‌شویم و جماعتی که خودمان آنها را برگزیده‌ایم تشویقمان می‌کنند و بدین‌ترتیب، رفته‌رفته توانایی خودارزیابی دقیق را از دست می‌دهیم و خودمان را بسیار داناتر از آن چیزی تصور می‌کنیم که واقعاً هستیم. اما آنچه فروتنی فکری را نابود می‌کند فقط مکانیسم تقویت اجتماعی از طریق افراد هم‌باور نیست. ردپاهای دیجیتال خودمان هم در این قضیه دخیل است، یعنی آثار دائمی‌ای که نظرات قبلی خودمان بر جای می‌گذارند.

جاناتان هایت، استاد مدرسهٔ کسب‌وکار اشترن در دانشگاه نیویورک، در ژانویه ۲۰۲۰ در توئیتی چند صفحه از کتاب مشهور رابرت چالدینی در زمینه بازاریابی، تحت عنوان تأثیرگذاری را به اشتراک گذاشت و نوشت: «این هم یکی دیگر از راه‌هایی که توئیتر می‌تواند به مباحثه دموکراتیک آسیب برساند. تعهد علنی به پاسخ‌های خود باعث می‌شود تا افراد در برابر داده‌هایی که نشان می‌دهد قبلاً اشتباه کرده‌اند، مقاومت بیشتری به خرج دهند.»

در آن گزیده از کتاب تأثیرگذاری، چالدینی خلاصه آزمایشی از مورتن دویچ و هارولد جرارد، روانشناسان اجتماعی را می‌آورد که در آن، مجموعه‌ای از خطوط را به سه گروه دانشجو نشان می‌دهند. از گروه اول خواستند تا برآورد خودشان را از طول خط‌ها بنویسند و تحویل آزمونگر بدهند؛ از گروه دوم خواستند برآورد خودشان را روی مجیک پد بنویسند و پیش از آنکه کسی آن را ببیند، پد را پاک کنند؛ گروه سوم هم اصلاً برآوردشان را ننوشتند. به دانشجویان ارقامی نشان دادند تا متوجه شوند که برآوردهای اولیه‌شان دقیق نبوده.

چالدینی در ادامه می‌نویسد: دانشجویانی که ارزیابی اولشان را ننوشته بودند خیلی کمتر از بقیه به ارزیابی‌شان پایبند بودند... اما دانشجویانی که موضع اولیه‌شان را علنی ثبت کرده بودند، با اختلاف زیادی نسبت به بقیه، سرسختی می‌ورزیدند و حاضر نبودند موضعشان را تغییر دهند. تعهد علنی باعث شده بود یک‌دنده‌تر از همه باشند.

به سبب وجود رسانه‌های اجتماعی، اکثر ما خود را به‌طور علنی پایبند نظراتمان کرده‌ایم. کاربران زیرک شبکه‌های اجتماعی نگرانی این را دارند که ردپاهای دیجیتالشان بر فرصت‌های شغلی آینده‌شان تأثیر بگذارد، اما کمتر کسی نگران است که ردپاهای دیجیتالش بر ذهن خودش تأثیر بگذارد. پایبندی علنی به نظرات کنونی‌مان شاید این اثر را بر ما داشته باشد که اگر در آینده اطلاعاتی به دستمان برسد که در حالت عادی نظرمان را تغییر می‌دهد، حالا نسبت به آنها مقاومت می‌ورزیم و بدین‌ترتیب امکان فروتنی فکری در ما از بین می‌رود.

■ **استفاده فروتنانه از رسانه‌های اجتماعی**

چاملی‌رایت، استاد سابق اقتصاد که نوشته‌های زیادی درباره اخلاق و گفت‌وگو دارد، توضیح می‌دهد که چرا فروتنی فکری اصل نخست یک گفت‌وگوی خوب است: دنیا جای واقعاً پیچیده‌ای است. هیچ‌کدام از ما نمی‌توانیم دسترسی کامل به حقیقت داشته باشیم. فقط می‌توانیم دنیا را از نظرگاه خاصی ببینیم، پس دانشمان به‌خاطر همان نظرگاه حاوی بینش‌های خاصی است، اما باز به‌خاطر همان نظرگاه، محدودیت‌هایی هم دارد. پس با دانش محدودی که در دسترس داریم، باید با فروتنی کامل به هر گفت‌وگویی وارد شویم، چون من به شما نیاز دارم تا نادانسته‌هایم را جبران کنم، درست است؟ شما هم به من نیاز دارید.

این را مد نظر داشته باشید که رسانه‌های اجتماعی فرصت‌های بی‌شماری برای گفت‌وگوهای خوب و آموزنده میان افرادی غریبه در سرتاسر دنیا فراهم می‌آورد. اگر هر کاربر رسانه‌های اجتماعی از موضع فروتنی فکری واقعی وارد گفت‌وگوهای آنلاین شود و درک کند که هر یک از دیگر کاربران می‌توانند فرصتی برای جبران نادانسته‌ها و رشد او باشند، شبکه‌های اجتماعی به نیروی پیشرانِ بی‌سابقه‌ای برای ترقی انسانی تبدیل می‌شدند، نه مثل حالا که ظاهراً در قبیله‌گرایی سقوط کرده‌اند.

۵ درسی که سال سخت به مدیران آموخت

کانال تلگرامی «اتاق بازرگانی تهران» نوشت: وقتی بحران کرونا جهان‌گیر شد، شرکت‌ها درجات مختلفی از آمادگی برای مواجهه با آن را به نمایش گذاشتند. پتانسیل بالای بحران کرونا برای ایجاد اختلال در کسب‌وکارها و نیز اهمیتِ آماده شدن برای بحران‌های بعدی باعث می‌شود به آموخته‌هایمان از این بحران توجه بیشتری نشان دهیم. ما این پنج درس مهم را از بحران کرونا گرفتیم:

۱) اطلاعات را به درستی فیلتر کنیم

اینکه شما استراتژی کسب‌وکار خود را بر اساس اخباری که دیروز در رسانه‌ها یا ایلایت شده تعیین کنید، اشتباه است. در عین حال، توجه به منبع اخبار و اهدافی که این منبع دنبال می‌کند هم نباید از نظر دور بماند.

۲) بوروکراسی را در نظر بگیریم

ضروری است که تیمی معتمد و باهوش که اهرم‌های لازم برای تصمیم‌گیری سریع و تاکتیکی را در مواجهه با بحران در اختیار داشته باشد، از قبل تعیین شده باشد تا هرچه سریع‌تر رده‌های بالای شرکتی را در مسیر درست قرار دهد.

۳) برای بحران بعدی آماده شویم

همواره یک متغیر وجود دارد که موفقیت نسبی در عبور از بحران را تعیین می‌کند: میزان آمادگی و پیش‌بینی. آمادگی برای بحران بعدی یا مرحله بعدی بحران فعلی حالا چاره‌ای ندارد جز آنکه چیزی فراتر از واکنش‌های خلق‌الساعه باشد.

۴) به آنچه گذشت فکر کنیم

به جای آنکه نفس راحتی بکشیم و به روال عادی خود بازگردیم، باید از موقعیت اتمام احتمالی بحران به‌عنوان فرصتی برای یادگیری استفاده کنیم. در زمانی که بحران جریان دارد، واکنش‌ها و اقدامات مختلف در قبال آن باید مستند شود و بعداً مورد استفاده قرار بگیرد.

۵) برای یک جهان متفاوت آماده باشیم

باید انتظار داشته باشیم که بحران کرونا همه چیز را در جامعه و کسب‌وکارها تغییر داده باشد. این تحولات در حوزه‌هایی مثل خرید آنلاین، آموزش آنلاین و سرمایه‌گذاری در حوزه بهداشت و سلامت واضح‌تر است؛ اما به این حوزه‌ها محدود نمی‌شود.

فضیلت کناره گرفتن

کانال تلگرامی خوب زیستن در فضیلت کناره گرفتن به نقل از سایت ترجمان، بخشی از کتاب فیلسوف دانمارکی سوند برینکمن را با ترجمه محمد معماریان آورده است.

کتاب جدید فیلسوف دانمارکی سِوند برینکمن، در فضیلت کناره گرفتن، توصیه مفیدی دارد: دست بکش. سعی نکن همه‌کار بکنی، به جایش کارهای کمتری بکن. در حقیقت، گاهی بهتر است که عقب بمانی که از همان جا که هستی لذت ببری.

فقط هم برینکمن نیست که نگران شادی ماست. چگونه هیچ‌کاری نکنیم به قلم جنی اودل (استاد دانشگاه استنفورد) و مینیمالیسم دیجیتال به قلم کال نیوپورت (استاد علوم رایانه دانشگاه جورج‌تاون) هم که بهار امسال منتشر شدند، پادزهرهای دیجیتال و معنوی را عرضه می‌کنند. ولی برینکمن سال‌هاست از منظر فلسفی این بحث را کاویده است. فضیلت کناره گرفتن، سومین اثر او در سه‌گانه‌ای که در این باب نوشته است، می‌گوید شاید دقیقاً محتاج خودداری باشیم.

شان ایلینگ: زندگی مدرن چه دارد که ما را وادار می‌کند دائماً دنبال لذت یا هدف یا تجربه بعدی برویم؟

سوند برینکمن: به نظرم باید از زاویه فرهنگ مصرف‌زده به این مخمصه نگاه کنیم؛ فرهنگی که خودمان برای خودمان ساخته‌ایم. فرهنگمان نیازمند آن است که مُدام بیشتر بخواهیم، مُدام بیشتر بخریم و مُدام کارهای بیشتری بکنیم. امروزه رضایت دست‌کمی از رذیلت ندارد، چون یعنی به آنچه دارید راضی هستید و لذا دائماً دنبال چیزی بعدی نمی‌روید.

مثلاً امروزه زیاد از توسعه فردی حرف می‌زنیم، از یک عمر یادگیری و توانایی توسعه مداوم شایستگی‌هایمان، ولی این هم به نظرم بخشی از همان چرخه معیوبی است که بیشتر بخواه، چیزهای جدید بخواه و همیشه احساس کن نیاز داری کارهایت را متفاوت یا بهتر انجام بدهی.

ایلینگ: شما سکولاریزاسیون را هم یک قطعه از این پازل می‌دانید. چرا؟

برینکمن: خُب، این ایده که در زندگی دنبال رِستگاری در حیات واپسین نیستیم، طبیعتاً به این باور منجر می‌شود که باید هر چه را می‌ارزد، همین‌جا و همین‌حالا کسب کنیم، چون فقط همین یک زندگی را داریم و بس، لذا سعی می‌کنیم هر چه را می‌شود در این زندگی بگنجانیم.

و اگر از چیزی در این زندگی دست بکشیم، نوعی ناکامی وجودی شمرده می‌شود، چون هر چه را که می‌شد تجربه نکردی، یا هرقدر که می‌شد سفر نرفتی، یا تا جایی که می‌شد رابطه رمانتیک نداشتی، پس ناکام مانده‌ای. بنابراین کل این ذهنیتِ «کارهای بیشتری بکن» در تاروپود جامعه مصرف‌زده ما تنیده شده است که در حد غایی خود کم از تراژدی ندارد، چون اکثرمان بعید است با این دستور بتوانیم زندگی خوبی داشته باشیم.

ایلینگ: و چرا این مسئله به ویژه گریبانگیر ثروتمندترین ملت‌هاست؟

برینکمن: پاسخ کوتاه سؤالتان این است که ما در ثروتمندترین ملت‌ها، فرصت‌های بیشتری داریم، امکان‌های بیشتری داریم که همه امیالمان را محقق کنیم، البته حرفم این نیست که زندگی فقیرانه‌تر لزوماً زندگی بهتری است، ولی پژوهش‌هایی در دست است که نشان می‌دهند نتیجه‌گیری قاطعی هم نمی‌شود کرد.

از قضا ثروت اضافه، از حدّ مشخصی که بگذرد، شادتر تان نمی‌کند. پس وقتی به آن حد رسیدید، دلیلی ندارد که دیوانه‌وار دنبال پول بیشتر بروید، ولی اگر دست و پا بزنید که غذایی پیدا کنید یا جای مناسبی که بخوابید، بعید است مسئله‌تان زیاد بودن گزینه‌ها باشد، لذا این مسئله واقعاً مال جامعه‌های ممتاز است؛ جایی که مردم آماجِ رگباری از گزینه‌ها و وسوسه‌هایند.

تلاش افراطیون امریکایی برای قتل‌عام در میشیگان

کانال تلگرامی «مطالعات امریکا» در مطلبی به نقل از شبکه تلویزیونی ای‌بی‌سی نیوز نوشت: دادستان‌های میشیگان می‌گویند افراط‌گرایان در این منطقه تنها برای ربودن فرماندار آن برنامه‌ریزی نکرده بودند بلکه قصد داشتند مرکز این ایالت را هم به آتش بکشند و عاملان این توطئه امیدوار بودند که هیچ‌کس در این اقدام در مرکز ایالت میشیگان زنده نماند.

«ای درین بانکر» خبرنگار شبکه ای‌بی‌سی نیوز هم در گزارشی در این خصوص گفت: اطلاعات جدیدی که درباره طرح یک گروه افراط‌گرا و تروریستی داخلی امریکا در میشیگان منتشر شده است نشان می‌دهد که ربودن گرچین ویتمر، فرماندار این ایالت تنها بخشی از طرح طراحان این حمله بوده است و این افراد قصد داشتند دولت محلی میشیگان را ساقط کنند. مدارکی که دادگاه بررسی این طرح منتشر کرده است نشان می‌دهند که آدام فاکس، سرکرده این گروه افراطی در میشیگان ۲۰۰ نفر را آموزش داده بود و قصد داشت به مرکز ایالت میشیگان حمله کند و سیاستمداران این ایالت را به گروگان بگیرد و این اقدام را در طول یک هفته در شبکه تلویزیونی به نمایش بگذارد. طراحان این طرح همچنین قصد داشتند همه ساکنان مرکز ایالت میشیگان را قتل‌عام کنند.

خبرنگار شبکه ای‌بی‌سی نیوز افزود: بازرسان این پرونده در میشیگان می‌گویند طراحان حمله به مرکز این ایالت قصد داشتند در مرحله دوم مردم را در خانه‌هایشان زندانی بکنند و خانه‌ها را به آتش بکشند. ویدئوهایی هم از تمرین تیراندازی اعضای این گروه در محل‌های استقرار آنها منتشر شده است. اف‌بی‌آی اخیراً به یکی از مراکز آموزشی این گروه افراطی حمله‌ور شد و آن را از اعضای گروه افراطی باز پس گرفت.

یکی از ساکنان این منطقه به خبرنگار شبکه ای‌بی‌سی نیوز گفت: من و همسرم به دفعات صدای شلیک گلوله و صدای شلیک سلاح‌های خودکار را می‌شنیدیم. گاهی هم صدای انفجار می‌شنیدم.

خبرنگار شبکه ای‌بی‌سی نیوز افزود: از مجموع ۱۴ متهم این پرونده که تاکنون بازداشت و زندانی شده‌اند فقط جلسه اولیه دادگاه دو نفر برگزار شده است.